



ماتدهتا برف زمین آب نشود...

اشاره

نبودیم... ولی شنیدیم که پدرها و مادرهایمان آرام و قرار نداشتند. در آن تاریکی، نور را می‌دیدند و آسیمه‌سر، به سمت آن می‌دویدند. همه عجله داشتند ببینند آن طرف سکه، چه جوری است. این طرف که همه جنگ بود و تبعیض و فساد و حفقان... منتظر صبح بودند تا تاریخ، آن روی سکه را هم نشانشان دهد. پدرها و مادرهایمان، چه آرمان‌های خوش رنگی داشتند که یک نفس تا فردا دویند. تا فردایی که امروز شده. امروز باید از دیروزشان بخوانیم که نبودیم رفیق! و چه حیف شد...

دی ۲۶

خبر به همین کوتاهی بود: «شاه فرار کرد». آن روزها، کنترل امنیت کشور از دست نیروهای رژیم و حتی حکومت نظامی خارج شده بود. همه ناظران سیاسی معتقد بودند که حل بحران با حضور شاه، امکان‌پذیر نیست. سه روز بعد از تشکیل شورای سلطنت، محمدرضا پهلوی، همراه همسر و خانواده خود، در حالی برای همیشه ایران را ترک می‌کرد که به شدت می‌گریست. همان روزها بود که امام به شورای سلطنتی اخطار کرد که بی‌درنگ از شورا کناره‌گیری کنند و وکلای غیرقانونی مجلس، دیگر حق ورود به مجلس را نداشتند.

دی ۲۷

امام پیام دادند: «فرار محمدرضا شاه که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است را به شما ملت فداکار تبریک عرض می‌کنم». ...در ادامه این پیام امام از مردم خواستند که تظاهرات پرشور خود را ادامه دهند و از قوای نظامی و انتظامی خواستند که به مردم بپیوندند. اوضاع کم‌کم روبه‌راه می‌شد و مردم روحیه عجیبی گرفته بودند.

دی ۲۸

شاپور بختیار در نامه‌ای به امام خمینی پیشنهاد کرد تا برای تغییر حکومت به یک رژیم جمهوری، شورای سلطنت وقت به شورای حکومت ملی تغییر نام دهد. امام این طرح را رد کردند. چون به فرض قبول پیشنهاد بختیار، گویی که امام، شورای سلطنت را به رسمیت شناخته است. در این راستا، امام خمینی پیامی برای مردم ایران فرستاد که مراقب توطئه‌های پنهانی دشمن برای ایجاد تفرقه باشند.

دی ۲۹

در این روز، مردم یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها را راه انداختند. مردم تاکید داشتند که آخرین بازمانده‌های رژیم پهلوی باید محاکمه شوند و جمهوری اسلامی باید تأسیس شود. در نجف آباد، کرمانشاه، نهاوند، ارومیه و مسجد سلیمان، تظاهرات مردم به صحنه‌ای خونین تبدیل شد. امام پیام دادند: «ان شاء الله به زودی به شما می‌پیوندم تا در خدمت شما باشم و با همت شجاعانه شما به رفع مشکلات بپردازیم...» مردم با این پیام انگار روحیه‌ای مضاعف پیدا کرده بودند. مصمم و امیدوار...

دی ۳۰

خبر، ناباورانه بین مردم پیچید: «امام قرار است برگردد». شور عجیبی در بدنه کشور ایجاد شده بود. همه درباره برگشت امام و کیفیت استقبال از ایشان حرف می‌زدند. از آن طرف، بحران و تب شدیدی به جان باقیمانده‌های رژیم افتاده بود. خیلی‌ها همین امروز، استعفا دادند و القرار...

بهمن ۱

تیرت اول روزنامه‌ها: «امام خمینی تا چند روز دیگر به ایران باز خواهند گشت». شمارش معکوس شروع شده بود. بختیار برای فرار از تنش در کشور، ۱۶۲ زندانی سیاسی را آزاد کرد تا نظر امام خمینی را به خود جلب کند. زندانیان با استقبال مردم روبه‌رو شدند. در همین روز بسیاری از افسران نیروی هوایی، دست به تظاهرات برضد رژیم زدند. سید جلال‌الدین تهرانی (رئیس شورای سلطنت) استعفا داد و این شورا را غیرقانونی خواند، و به این ترتیب، شورای سیاست‌گذاری سلطنت منحل شد.

بهمن ۳

گروه‌های مختلف مردم برای استقبال از امام، اعلام آمادگی کردند. پنجاه هزار جوان عاشق امام، مسئولیت حفاظت از جان امام و انتظامات مراسم را بر عهده گرفتند. بسیاری از مردم شهرهای مختلف، به تهران آمدند تا در مراسم استقبال، مشارکت کنند. در همین روز، چهار هزار افسر نیروی هوایی هم به پشتیبانی از مردم، دست به اعتصاب غذا زدند و خواستار خروج مستشاران آمریکایی شدند. کنترل شهر قم از دست نظامیان رژیم خارج شد و این شهر، به تصرف نیروهای انقلابی درآمد.

بهمن ۴

دولت بختیار از ترس ورود امام، همه فرودگاه‌های کشور را تعطیل اعلام کرد و به هیچ یک از شرکت‌های هواپیمایی بین‌المللی، اجازه ورود به تهران را نداد. تعداد زیادی تانک و زره‌پوش را نیز راهی فرودگاه مهرآباد کرد تا از ورود امام، جلوگیری کند. بختیار که خشم مردم را دید دستور خود را لغو و اعلام کرد قصد دارد لایحه انحلال ساواک را به مجلس ارائه دهد و به عبارتی می‌خواست خودش را در دل مردم جا کند.

بهمن ۶ و ۷

تظاهرات مردم اوج گرفته است. شعارهای جدید و درست و حسابی، سربازان و نیروهای نظامی رژیم را کلافه کرده است. مردم تمام خواسته‌هایشان را در قالب شعار اعلام می‌کنند. خیابان‌ها از جمعیت معترض، خالی نمی‌شود. مردم، شعار می‌دهند و مأموران تیراندازی می‌کنند.

۸ بهمن

حدود چهل نفر از روحانیان مبارز و انقلابی، در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند و شرط خروج از این وضعیت را بازگشت امام خمینی به ایران، عنوان نمودند. حضرات آیات: سیدمحمدحسین بهشتی، مرتضی مطهری، عطاءالله اشرفی‌اصفهانی، سید محمود طالقانی، محمدجواد باهنر، سیدعلی خامنه‌ای، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، محمد امامی‌کاشانی، محمد یزدی، علی مشکینی، محمد صدوقی و... از جمله متحصنان بودند. مردم تهران دسته‌جمعی، در حال حرکت به سوی دانشگاه تهران بودند که از بالای ساختمان ژاندارمری، آتش رگبار به سویشان شروع می‌شود و بسیاری از مردم در همان‌جا به شکل فجعی به شهادت می‌رسند. این حرکت انعکاس جهانی داشت و خیلی از خبرگزاری‌ها، آن را مشابه کشتار هفده شهریور دانستند.

۹ بهمن

خیابان‌های شهر، مثل صحنه جنگ‌های خونین شده بود. گروه‌های امداد به سرعت کار می‌کردند و جوان‌ها خیابان‌ها را سنگربندی می‌کردند. مردمی که برای استقبال از امام خمینی، به تهران آمده بودند در مساجد و خانه‌های شخصی پنازی می‌شدند و هزاران خبرنگار از سراسر دنیا، وضعیت انقلاب رو به پیروزی ایران را گزارش می‌کردند.

از طرفی تحصن مردم و علما در دانشگاه تهران، دولت را به لغو ممنوعیت پرواز و بازگشایی فرودگاه مجبور کرد. نزدیکان امام اعلام کردند که ۱۲ بهمن، ۹ صبح، فرودگاه مهرآباد...

با باز شدن فرودگاه، هواپیماهای نظامی آمریکا، شروع به خارج کردن آمریکایی‌ها از ایران کردند. تا روز چهاردهم بهمن، سی‌وپنجاه هزار نفر آمریکایی‌ها به کشورشان بازگشتند.

۱۱ بهمن

آخرین رژه نمایشی نیروهای مسلح رژیم شاه، به منظور ترساندن مردم مسلمان ایران، در خیابان‌های تهران انجام شد. البته در جریان این رژه، بسیاری از نظامیان ارتش به مردم پیوستند و خبرگزاری‌های دنیا این لحظات را ثبت کردند. از آن‌جا که احتمال می‌رفت باز برای جلوگیری از ورود امام توطئه‌ای در کار باشد، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله مرعشی نجفی به جمع متحصنان دانشگاه تهران پیوستند.



۲۱ بهمن

به دستور امام، حکومت نظامی شکسته شد و مردم به خیابان‌ها ریختند. از طرفی لایحه انحلال ساواک تصویب شد و شکنجه‌گران یکی یکی دستگیر شدند. شهید رحیمی فرماندار نظامی تهران، در ساعات پایانی روز بیست و یکم، دستور داد تا کلیه رهبران نهضت اسلامی را دستگیر و با هواپیما به یکی از جزایر منتقل کنند. نام امام خمینی، آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان در رأس لیست ۳۰۰- ۴۰۰ نفره‌ای بود که قرار بود دستگیر شوند. البته مردم، با هوشیاری و سنگربندی در خیابان‌ها، حرکت تانک‌ها را متوقف و کودتا را خنثی کردند. بعداً معلوم شد که قرار بود تهران به توپ بسته شود.

۲۲ بهمن

در پی شکسته شدن حکومت نظامی، مردم از شب قبل به خیابان‌ها ریختند و به بسیاری از مراکز دولتی و نظامی و انتظامی یورش بردند. سرانجام ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد و سازمان صدا و سیما هم به تصرف نیروهای مسلمان درآمد و صدای انقلاب از زبان شهید محلاتی این گونه تن مستگیران زمان را لرزاند: «توجه بفرمایید! این صدای انقلاب است...»

کاخ ۲۵۰۰ ساله شاهان ایران، فرو ریخت. انقلاب اسلامی ایران پیروز شد.

۲۳ بهمن

به فرمان امام، کمیته انقلاب اسلامی برای کنترل اوضاع و برقراری نظام و امنیت تشکیل شد. این نهاد انقلابی به اداره امور و حراست از انقلاب اسلامی و حفاظت از جان و مال و ناموس مردم پرداخت. هم‌چنین این نهاد سلاح‌هایی را که در دست مردم بود، جمع‌آوری کرد. اموال وابستگان به رژیم توقیف شد و با منافقان و احزاب ضاله به‌شدت مقابله گردید. در این تاریخ دولت موقت، رسماً و علناً کار خود را شروع کرده بود.

۲۵ بهمن

عناصر ضدانقلاب که به تبریز گریخته بودند به سوی مردم تیراندازی کردند و بسیاری از مردم شهر را به خاک و خون کشیدند. نیروهای وفادار به انقلاب هم درصدد دفع تهاجمات برآمدند که با دستگیری ۱۵۰ تن، غائله به پایان رسید. بسیاری از مزدوران از این شلوغی برای فرار خود سود جستند.

۲۷ بهمن

ارتشبد نصیری که از زمان دولت هویدا تا نزدیکی‌های پایان عمر رژیم پهلوی، ریاست سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) را به عهده داشت، در روز ۲۲ بهمن توسط مردم اسیر و پنج روز بعد یعنی بیست و هفتم بهمن‌ماه به حکم دادگاه انقلاب تیر باران شد.

۳۰ بهمن

از جمله نخستین اقدامات کشور بعد از پیروزی انقلاب این بود که سفارت فلسطین را که در دوره پهلوی بسته شده و جای خود را به سفارت اسرائیل داده بود، احیا کند. این انقلاب، اگر بر فرض محال، هیچ چیز هم که نداشت، ثمره بزرگش این بود که یارانی وفادار و متعهد و با ایمان برای نسل‌های آینده‌اش، معرفی و ذخیره کرد. یارانی که هر کدام به تنهایی، خاری در چشم دشمنان اسلام و انقلاب بودند. پیروزی، تازه اول راه بود... همه می‌دانستند که «مانده تا برف زمین آب شود».



۱۲ بهمن

«امام آمد...»

رئیس کمیته استقبال، آیت‌الله بهشتی بود. از شب قبل، ولوله عجیبی به جان شهر افتاده بود. مردم، خیابان‌های شهر را آب و جارو می‌زدند. صبح هم، یک‌سری مأمور امنیت، مسیر حرکت امام را که پر از گل‌های سرخ و سفید شده بود، کنترل کردند. دلشوره و نگرانی در چشم مردم موج می‌زد. ایر فرانس از ترسش حاضر نشده بود به امام هواپیما بدهد. می‌ترسید بلایی سر اموالش بیاید. یک ایرانی با مرام به اسم میرمحمد صادقی، یک هواپیما را به قیمت ۱۴ میلیون تومان (توجه داشته باشید که در آن روزها، پیکان فقط ۳۰ هزار تومان قیمت داشت) اجاره و بیمه کرد تا نزدیکان امام با خیال راحت، ایشان را سوار هواپیما کنند. سخنرانی معروف امام در بهشت زهرا و در قطعه شهدا تکلیف شرق و غرب را معلوم کرد: «من دولت تعیین می‌کنم، من به پشتیبانی این مردم، دولت تعیین می‌کنم...»

۱۳ بهمن

امام خمینی در مدرسه علوی تهران اقامت کردند چون فضای بزرگی داشت و برای دیدارهای مردمی مناسب بود. سخنرانی عظیم امام در تهران، در سراسر دنیا انعکاس یافت. آمریکا و اسرائیل، به شدت ابراز نگرانی و سرخوردگی می‌کردند. شوروی مبارزات ایران را ورود به یک مرحله سرنوشت‌ساز عنوان کرد.

۱۴ بهمن

امام در مقابل سیصد خبرنگار ایرانی و خارجی، مواضع آینده نظام اسلامی را تشریح و اعلام کردند. به زودی دولت موقت تشکیل و قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین خواهد شد و دولت موقت، موظف است مقدمات همه‌پرسی را فراهم آورد. هم‌چنین به بختیار هشدار دادند که در صورت ادامه سرکوب مردم، حکم جهاد خواهند داد.

۱۵ بهمن

در حالی که ایران، به سرعت به سوی استقلال و آزادی و پیروزی جمهوری اسلامی پیش می‌رفت، شاپور بختیار، در مصاحبه‌ای تلاش کرد تا مردم را آرام کند. او که با تظاهر به دموکراسی و آزادی‌خواهی می‌کوشید تا مردم را از ادامه انقلاب منصرف کند، اعلام کرد که به امام خمینی اجازه تشکیل دولت موقت را نخواهد داد. این در حالی بود که اوضاع رژیم سابق، به‌شدت بهم ریخته بود، و اعتصاب‌های پی‌درپی مردم و نافرمانی و فرار نظامیان از پادگان‌ها، و استغفاهای مکرر مقامات دولتی، عملاً هیچ اختیاری برای حکومت پهلوی باقی نگذاشته بود.

۱۶ بهمن

امام و یارانش برای تشکیل دولت موقت دست به کار شدند. مهندس مهدی بازرگان به عنوان نخست وزیر موقت با حکم امام انتخاب شد.

سازمان سیا اعتراف کرد که در پیش‌بینی مسائل ایران ناکام مانده است و پیروزی انقلاب اسلامی، عن‌قریب است که اتفاق بیافتد. پس از آن رسانه‌های گروهی آمریکا حمایت خود را از دولت بختیار قطع کردند. عزیمت هشت هزار یهودی از ایران به اسرائیل یکی دیگر از اتفاقات امروز بود.